

رویارویی ایران و اسراییل؛ فرصت‌ها و تهدیدها

در باب پیامدهای اخیر

رحمن قهرمان‌پور

در باب پیامدهای رویارویی اخیر ایران و اسراییل گمانه‌زنی‌ها بسیار است هرچند زمان نیاز است تا ابعاد فعل و انفعالات دو بازیگر مشخص شود بالاخص آنکه هنوز بخشی از جزئیات در ابهام قرار دارند. با این همه، فارغ از ابهام‌های حاکم، پیامدهای رویارویی اخیر ایران و اسراییل از چند منظر قابل تامل است. نخست در حوزه بازدارندگی، این سوال مطرح می‌شود که آیا پاسخ ایران به اسراییل زمینه‌ساز افزایش توان بازدارندگی کشورمان خواهد شد یا خیر؟ به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در این مقطع تصمیم گرفت از رویارویی در سایه خارج شده و به اسراییل پاسخی آشکار بدهد و سطح تازه‌ای از بازدارندگی در برابر اسراییل را تعریف کند؛ این پیامی بود که رهبران اسراییلی دریافت کردند. ایران نشان داد که قدرت پهپادی و موشکی خود را تقویت کرده و از طرفی دیگر، در حوزه موشک‌های بالستیک نیز پیشرفت‌های بسیاری را به دست آورده. این بدین معناست که تاکید ایران بر داشتن سلاح‌های پیشرفته، دقیق و نقطه‌زن از این پس توسط کشورهای رقیب جدی‌تر از گذشته لحاظ می‌شود. نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد، تاثیر توان نظامی ایران بر روابط کشورمان با بازیگران عرب حاشیه خلیج فارس است.

از این منظر، پاسخ ایران به اسراییل هم فرصت تلقی می‌شود و هم تهدید. فرصت از این منظر که کشورهای عربی از این پس باید در محاسبات خود قدرت نظامی ایران را از زاویه‌ای تازه مورد بررسی قرار بدهند. از منظر دیگر می‌توان گفت که پاسخ ایران به اسراییل شاید تهدید هم تلقی شود، چرا که پاسخ تهران به تل‌آویو، تصویر توان نظامی ایران را عینی‌تر و ملموس‌تر ترسیم کرد؛ این گزاره می‌تواند زمینه‌ساز نگرانی کشورهای عربی شود. در همین چارچوب می‌توان مشارکت اردن، عربستان و امارات در رهگیری موشک‌های ایرانی پرتاب شده به سرزمین‌های اشغالی را تبیین کرد. نکته قابل تامل

دیگر، تاثیر رویارویی ایران و اسرائیل بر موقعیت منطقه‌ای آمریکا و سیاست ایالات متحده در خاورمیانه است. رویارویی اخیر ایران و اسرائیل اتکای نظامی تل‌آویو به واشنگتن را نشان داد و این حقیقت را عریان کرد که اسرائیل بدون اتکا به آمریکا به تنهایی توان دفاع مستقل از خود در برابر تهدیدها را ندارد و علاوه بر این قادر نیست وارد رویارویی مستقیم شود. این گزاره نیز برای ایران هم فرصت هست و هم تهدید. به این معنا که اگر ایران بتواند با آمریکا به سازش نسبی دست یابد، قادر خواهد بود به این طریق سیاست‌های تل‌آویو را تحت تاثیر قرار بدهد اما اگر ایران نتواند به اختلاف‌های خود با آمریکا پایان بدهد، در این صورت و همزمان با آغاز مناقشه میان تهران و تل‌آویو، آمریکا بیش از همیشه کنار اسرائیل قرار خواهد گرفت. از طرفی دیگر، رویارویی اخیر، فرآیند تغییر سیاست ایالات متحده در خاورمیانه را کند خواهد کرد.

ایالات متحده برای کاهش حضور خود در خاورمیانه تصمیمی استراتژیک اتخاذ کرده تا به این طریق بر منطقه شرق آسیا متمرکز شود، اما درگیری‌های اخیر موجب شده تا آمریکا سیاست خروج از خاورمیانه را با تاخیر بیشتری اجرایی کند، این مقوله می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تنش‌ها میان تهران و واشنگتن شده یا ممکن است فرصتی باشد برای افزایش تعامل میان ایران و آمریکا بالاخص در حوزه برنامه هسته‌ای ایران. این مقوله به سیاست‌های دو طرف منوط است. نکته دیگر که باید مورد تامل قرار بگیرد، تاثیر تنش‌های اخیر بر روابط چین با خاورمیانه است.

پس از میانجیگری چین جهت احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان، گروهی این تحلیل را مطرح کردند که پکن به دنبال ایفای نقشی تازه در خاورمیانه هست و می‌تواند به رقیبی جدی برای ایالات متحده در این منطقه تبدیل شود. اما تحولات ناشی از جنگ غزه بالاخص حملات انصارالله یمن به دریای سرخ نشان داد که نقش چین در معادلات خاورمیانه کمرنگ است. رویارویی ایران و اسرائیل نیز تردیدها در باب توانایی چین برای رقابت با آمریکا در خاورمیانه را افزایش داد. طبیعتاً این گزاره برای ایران که خواهان نزدیکی به چین است، چندان مطلوب نیست.

به بیانی دیگر باید گفت، چین نه در بحران غزه توانست نقش پررنگی ایفا کند، نه در میانه حملات انصارالله به دریای سرخ و رویارویی اخیر میان تل‌آویو و تهران. بنابراین این روند تاثیری منفی بر نقش چین در خاورمیانه خواهد داشت. در این بحران روسیه نیز نقش کمرنگ‌تری از چین ایفا کرد. این بدین معناست که روسیه به واسطه جنگ در اوکراین جایگاه خود را تا حدودی از دست داده است. در

شرایط کنونی باید اذعان کرد که معادلات خاورمیانه تغییر کرده است، اما برای استفاده از عبارت خاورمیانه جدید باید محتاط بود، زیرا در 30 سال گذشته در دوره‌های مختلف از ظهور خاورمیانه جدید سخن گفته شده، اما خاورمیانه چندان تغییر نکرده. به عنوان نمونه پس از احیای روابط دیپلماتیک میان ایران و چین بسیاری از فصل تازه در خاورمیانه گفتند، اما شاهد بودیم که جنگ غزه شرایط را به گونه‌ای دیگر تغییر داد یا بعد از عادی سازی روابط اسرائیل و اعراب براساس توافق ابراهیم نیز گروهی از خاورمیانه جدید گفتند، اما شاهد بودیم که چنین پویایی رخ نداد. باید اذعان کرد که خاورمیانه خواه در برابر نیروهای خارجی و نیروهای ضد سیستمی و رادیکال در داخل منطقه بسیار شکننده است. علاوه بر این دولت‌های خاورمیانه عموماً در برابر فشارهای خارجی ناکارآمد هستند و همین مقوله موجب شده تا صبحت از خاورمیانه جدید با تردیدهایی روبه‌رو شود. ایالات متحده تلاش دارد تا خود را از رویارویی‌های جدید در خاورمیانه دور نگه دارد، چرا که این گزاره می‌تواند اولویت‌های این بازیگر را به شکلی منفی تحت تاثیر قرار دهد. گزاره‌ای که برای پیش‌بینی تحولات پیش رو با اهمیت است، تلاش اسرائیل و شخص بنیامین نتانیاهو جهت تهدیدسازی از بحران‌های حاکم علیه ایران هستند. پس از رویارویی اخیر میان تهران و تل‌آویو، فشارهای اعمالی بر اسرائیل به واسطه نقض حقوق بشردوستانه در غزه کاسته شد و حتی گفته شد ایالات متحده با حمله اسرائیل به رفح موافقت کرده است. از همین رو شاید نتانیاهو درصدد باشد تا درباب تهدیدهای ایران بزرگنمایی کند و به این طریق کشورهای غربی و عربی را با خود همصدا کرده و به خیال خود اجماعی علیه ایران تعریف کند. در چنین شرایطی نتیجه کارزار ریاست‌جمهوری پیش روی امریکا می‌تواند تعیین کننده باشد؛ چرا که اگر دونالد ترامپ بتواند پیروز نهایی رقابت‌ها شود، نتانیاهو به راحتی قادر است به اهداف خود دست یابد.

کارشناس ارشد مسائل بین الملل